

معرفی کتاب

کاربرد روانشناسی تربیتی در کلاس درس (مایرون دمبو)

Dembo, Myron H. *Applying Educational Psychology in the Classroom* (4th ed.). New York: Longman, 1991, XXX + 655 pages; Includes glossary, bibliographical references, author index, subject index.

دمبو عنوانی را برای کتاب خود برگزیده است که کاملاً "برازنده" محتوای آن است. مخاطب اصلی او دانشجویانی هستند که معلمی خواهند کرد یا معلمانی که در دوره آموزش ضمن خدمت مشغول علمی تر و تازه تر کردن دیدگاهها و روشهای خود هستند. محتوای کتاب بر مدار دانش آموز یا یادگیرنده طراحی نشده است، بلکه توجه و تأکید آن بر نقش معلم و کمک به او به عنوان یک تصمیم گیرنده است. نویسنده در ضمن اینکه به بعضی از آخرین دستاوردهای علمی و پژوهشی اشاره می کند هدفش این است که نشان دهد چگونه مطالب عرضه شده در کلاس درس به کار می آید و معلمان را در تصمیم گیری تواناتر می سازد. ترکیب و توازنی که بین مطالب نظری و اشارات کاربردی در این کتاب رعایت شده ممکن است دانشجویانی را که تشنه مطالب نظری در زمینه روانشناسی تربیتی اند سیراب نسازد، لیکن هر فرد آشنا با مسائل کلاس و مدرسه را تا حدود زیادی راضی می کند. این کتاب یکی از متون کلاسیک روانشناسی تربیتی است که مخاطب آن معلمان آمریکایی هستند. اگر چه این انتخاب به برخی مثالها و راهنماییهای نویسنده جنبه بومی داده است ولی ارزش کلی کتاب برای سایر محیط ها و فرهنگها همچنان محفوظ مانده است. خصوصاً اینکه تنوع روز افزون نژادی و زبانی که جامعه آمریکایی و به تبع آن مدارس با آن روبه رو هستند نویسنده را بر آن داشته است که به این موضوع توجه داشته باشد و فصل جدیدی را به همین منظور به متن درسی روانشناسی تربیتی بیفزاید.

مایرون دمبو استاد روانشناسی تربیتی در دانشگاه ساوثرن کالیفرنیا تاکنون آثار

متعددی در زمینه تعلیم و تربیت و روانشناسی منتشر ساخته است. مطالب و صفحه آرایی این کتاب، همچون بسیاری دیگر از متون درسی آمریکایی، طوری طراحی شده است که هم به مدرس روانشناسی تربیتی کمک کند و هم تاحدی امکان خودآموزی به خواننده بدهد. محتوای کتاب در چارچوب مدلی خاص از فرایند تدریس - یادگیری سازمان داده شده است. با کمک این مدل که اصل آن در سال ۱۹۷۱ توسط هاتر ارائه شده است معلوم می‌گردد که چگونه هر فصل کتاب با فصول دیگر و با مسائل کلاس درس مربوط می‌شود. این مدل شامل شش متغیر اصلی است که عبارتند از: اهداف آموزشی، تفاوت‌های فردی، رفتار معلم، اصول یادگیری، روش آموزش، و ارزیابی رفتار یادگیرنده.

هر یک از فصول سیزده گانه کتاب با راهنمایی که ذهن خواننده را به سوی رابطه مطالب با فرایند تدریس - یادگیری جهت می‌دهد آغاز می‌شود. سپس اهداف رفتاری و سوالات کانونی برای توجه دادن خواننده به مطالب اصلی بیان می‌گردد. در خاتمه هر فصل نیز نمودار مدل تدریس - یادگیری مجدداً ارائه می‌گردد و مطالب فصول با تأکید بر روابط میان شش متغیر مذکور انسجام داده می‌شود. سپس اصطلاحات کلیدی، خلاصه فصل، و در آخر، فعالیت‌های علمی و عملی برای کاربرد مطالب ارائه می‌گردد. این فعالیتها فرصتی برای مباحثه مطالب مهم و انجام پروژه‌های تحقیقاتی، و اشتغال به تجربه‌های متنوع فراهم می‌سازد. همچنین در ضمن هر فصل یک یا چند تابلوی فرعی ارائه شده است که در آن با ارائه نمونه‌هایی از تحقیقات جاری به طور ملموس تر نشان داده شده است که چگونه مفاهیم و مهارت‌های بحث شده را می‌توان در کلاس به کار برد یا مشاهده کرد.

در فصل اول، نویسنده معلم تازه کار کشور خود را گام به گام وارد میدان می‌کند و به او نشان می‌دهد که مطالب علمی را از کجا بجوید و چگونه به کار برد. پس از این فصل مقدماتی، کتاب در چهار بخش تنظیم شده است: بخش اول که عنوانش «رشد و تفاوت‌های فردی» است به توصیف خصوصیات یادگیرنده و رشد شناختی، شخصی، و اجتماعی او می‌پردازد. یادگیری که همواره عمده‌ترین بحث روانشناسی تربیتی بوده است، در بخش دوم با بحثی درباره آمادگی شدن دانش آموزان برای شهر وندی و تعاون تکمیل می‌گردد. در سومین بخش به تمهیدات لازم برای اثر بخشی تدریس پرداخته می‌شود که عبارتند از برنامه‌ریزی قبلی، توجه به عوامل انگیزشی، و روشهای اداره

کلاس. بالاخره در آخرین بخش چگونگی سنجش و ارزیابی با وسایل استاندارد یا معلم ساخته و نیز چگونگی تحلیل نمره‌ها و گزارش کردن پیشرفت دانش آموزان مورد بحث قرار می‌گیرد.

ذهن مدرسه‌ای نشده کودکان چگونه فکر می‌کنند و مدارس چگونه باید آموزش دهند «هووارد گاردنر»

Gardner, Howard. *The Unschooled Mind: How Children Think and How Schools Should Teach*. New York: Basic Books, 1991, XII + 303 pages; Includes notes and bibliographical references, name index, subject index.

هووارد گاردنر نویسنده خلاق است که در نوشته‌های پانزده سال اخیر خود اصلاحات در نظام آموزش و پرورش امریکا و سایر کشورها را هدف قرار داده است. وی که روانشناس رشد در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه هاروارد است، پس از کتاب مؤثر خود «چارچوبهای ذهن، نظریه، هوشهای چندگانه» نقص دیگری از نظامهای آموزشی را در کتاب حاضر مورد تحلیل قرار داده است. معلمان، اولیاء دانش آموزان، مدیران، و سیاستگذاران آموزشی با خواندن این کتاب تا حدودی در می‌یابند که چرا بسیاری از دانش آموزانی که در سطوح مدرسه‌ای یا دانشگاهی شاگرد اول می‌شوند در پاسخ به پرسشها و حل مسائلی که اندکی با آنچه فراگرفته و امتحان داده‌اند متفاوت است ناتوانند.

گاردنر در مقدمه کتاب، با بیان نظریه خود درباره انواع هوش نشان می‌دهد که به طور طبیعی همه دانش آموزان یکسان یاد نمی‌گیرند و عملکرد مشابه ندارند. او یادگیری شهودی را در برابر یادگیری مدرسه‌ای قرار می‌دهد و عملکرد قالبی را در مقابل عملکرد طبیعی مبتنی بر فهم موضوع مطرح می‌کند. کودک پیش دبستانی تحت شرایط رشد عصبی و روانی خود به یادگیری شهودی و طبیعی می‌پردازد و عملکرد او نیز با فهم شهودی همراه است. اگر این یادگیرنده شهودی بدون تغییر رویه وارد مدرسه شود دچار همان مسائلی می‌گردد که به آن مشکلات یا اختلالات یادگیری می‌گوییم. یادگیری

مدرسه‌ای یک کودک یا نوجوان بیشتر تابع شرایط مدرسه و نظام آموزشی است و عملکرد او نیز به صورت قالبی در آمده با فهم قراردادی همراه خواهد بود. اگر مقصود نهایی اکتساب مهارت در رشته‌ای خاص باشد معلوم نیست شخصیت دوم یعنی یادگیرنده مدرسه‌ای موفقتر از شخصیت اول یعنی کودک مدرسه نرفته باشد. با در نظر داشتن این دو شخصیت و شخصیت مطلوب نهایی یعنی فردی که در رشته خاصی مهارت و فهم تخصصی یافته است، و با توجه به تفاوتها و فواصل موجود میان این سه شخصیت و چگونگی پرکردن این فواصل می‌توان پیام نویسنده را دریافت.

نخستین بخش کتاب به توصیف یادگیری و رشد ذهنی در شخصیت اول، یعنی یادگیرنده طبیعی، اختصاص دارد. نویسنده از زاویه روانشناسی شناختی و با تکیه بر نظریات پیاژه، چامسکی، نظریات زیست شناختی و پردازش اطلاعات قصد دارد یادگیری و فعالیتهای شناختی را از نوزادی تا حدود سن هفت سالگی که فهم شهودی ظاهر می‌شود آن طور که هست توصیف کند. و نشان دهد چگونه این نظرات به تعلیم و تربیت مربوط می‌شود.

در بخش دوم که عنوانش «نهادهای آموزشی» است ابتدا فرایند کلی آموزش و پرورش و ارزشها و سنتهای جاری آن بحث می‌شود. سپس تخصص یافته‌ترین نهاد آموزشی یعنی مدرسه و برنامه‌ها و تأثیرهای آن مورد تحلیل و نقد قرار می‌گیرد. پیام اصلی نویسنده «آموزش برای فهم» است. مدارس باید به جای تأکید بر مهارتهای اساسی یا آزمونهای یکنواخت، پاسخگوی انواع هوشها، انواع یادگیریها و عملکردهای غیر مصنوعی دانش آموزان باشند. مشکلاتی را که مدارس سنتی و کنونی برای ما فراهم کرده‌اند نمی‌توان کوچک شمرد. چرا انسانها، که مفاهیم و مهارتهایی را در کودکی به آن سهولت فرا می‌گیرند، در یادگیری مهارتها و مفاهیمی که مدارس با آن همه برنامه‌ریزی و جدیت ارائه می‌کنند با مشکلات بسیار مواجه می‌شوند؟ نویسنده با ارائه شواهد تجربی نشان می‌دهد که افرادی که علوم تجربی یا علوم اجتماعی و انسانی را در کلاس مدرسه و دانشگاه فرا گرفته‌اند دچار بدفهمی‌هایی در این زمینه‌ها هستند و در انتقال این یادگیری به موقعیتهای واقعیتر و کاربرد آن در حل مسائل غیر کلاسی دچار مشکل‌اند.

در آخرین بخش کتاب، گاردنر در مقام یک اصلاحگر آموزشی یا مهندس اجتماعی نشان می‌دهد که رهایی از بن بست ممکن است. هم از لحاظ انسانی و هم از لحاظ اقتصادی برای یک جامعه ممکن و مفید است که با اصلاحاتی در نظام مدارس

خود توده دانش آموزان را تا حدی از آموزش برای فهم برخوردار سازد. شاید چنین اقدامی مستلزم تغییر اهداف آموزش و پرورش یا اتخاذ فلسفه‌ای جدید برای تعلیم و تربیت همگانی باشد.